



پیشگامان: نقش جوانان در یک اجتماع جهانی همواره در حال پیشرفت

بیانیه‌ای از جامعه جهانی بهائی، نیویورک، ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۴





«در نسل جوان در سراسر جهان منبعی عظیم از قابلیت
برای تقلیب اجتماع موجود و آماده بهره‌برداری است.»
~ بیت العدل اعظم، هیئت حاکمه بین‌المللی آئین بهائی



به موازات این پیشرفت‌ها، برای آنکه شمار بیشتری از جوانان جهان بتوانند سهم کامل خود را در ارائه راه‌حل‌هایی برای مبهم‌ترین چالش‌های نوع بشر ایفا کنند، لازم است بازاندیشی عمیق‌تری درباره نگرش‌ها و پیش‌فرض‌های مرتبط با دوران جوانی صورت گیرد. بنابراین، هم در برابر جوانان و هم بزرگسالان نیازی حیاتی و فرصتی بی‌نظیر قرار گرفته است: کاوشی گسترده درباره نقشی که جوانان می‌توانند در پیشرفت و تحول اجتماع ایفا کنند.

«منظور لزوماً ایجاد جنبشی مختص جوانان نیست؛ بلکه این است که جوانان در کانون جنبشی باشند که همگان در آن مشارکت دارند.»

آن‌ها نگرین است. «جوانی» همچنین از یک سو به دوره‌ای از حیات انسان با ویژگی‌ها و قابلیت‌های خاص خود اشاره دارد و از سوی دیگر فرصت‌هایی منحصر به فرد برای شکل‌دادن به آینده فراهم می‌کند. از این منظر، آنچه باید صورت گیرد تأکید بر اهمیت جوانان نسبت به سایر گروه‌ها نیست، بلکه مقصود آن است که از ظرفیت‌های بالقوه این مرحله از زندگی، برای بهبود شرایط همگان حداکثر استفاده صورت گیرد. همان‌طور که جوانی از برزیل گفت: «منظور لزوماً ایجاد جنبشی مختص جوانان نیست؛ بلکه این است که جوانان در کانون جنبشی باشند که همگان در آن مشارکت دارند.»

در سازمان ملل متحد و در سطحی وسیع‌تر در نظام چندجانبه سازمان‌ها و فرایندهای بین‌المللی، شناخت فزاینده‌ای نسبت به نقش حیاتی جوانان در حال شکل‌گیری است. این تحول را می‌توان هم در تغییرات جزئی و هم در پیشرفت‌های ساختاری بزرگ مشاهده کرد؛ برای نمونه، راه‌اندازی دفتر نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور جوانان در سال ۲۰۱۳ و تأسیس دفتر امور جوانان سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۲ از جمله این پیشرفت‌ها هستند.

جوانان جهان منبعی سرشار از توانمندی برای پیشبرد تحول سازنده اجتماع هستند. تجربه به‌طور پیوسته نشان داده است که میل به ایجاد تغییر مثبت و توانایی برای ارائه خدمت معنادار در جهت خیر عمومی، صرف‌نظر از پیشینه یا شرایط فردی هر جوان، از ویژگی‌های دوران جوانی است. هر کجا که این ظرفیت بالقوه شناسایی شده و شرایط مناسب برای بروز آن فراهم آمده، الگوهای نوینی از تعامل میان نسل‌ها پدیدار شده است. این امر فضایی ایجاد کرده است تا جوانان جایگاه شایسته خود را در تداوم بخشیدن به اقدامات ارزشمند نسل‌های قبل به دست آورند. همچنین، این جوانان مسئولیت حیاتی پرورش نسل‌های جوان‌تر از خود را بر عهده گرفته‌اند تا آنان نیز به نوبه خود قوای ارزشمندشان را صرف پیشرفت و تحول اجتماعی کنند. سخن گفتن از «جوانان»، طیفی از برداشت‌های گاه متفاوت را به ذهن متبادر می‌کند؛ برای نمونه، گروهی از رأی‌دهندگان که باید مشارکتشان جلب شود، یک حیطه موضوعی که باید مورد توجه قرار گیرد، طبقه‌ای از جمعیت که باید از لحاظ کمی سنجیده شود، یا حتی گروهی که می‌توان به دید کالا به

انسجام میان امر جهانی و امر محلی: بهره‌گیری از قوای جوانان در همهٔ سطوح

«رفتار اکثریت جوانان یک اجتماع، بر شیوهٔ سازمان‌یابی آن، عملکرد جوامع درون آن و میزان پیشرفت احتمالی آن اجتماع اثر می‌گذارد. فرصت‌هایی که در آینده پیش روی هر جمعیتی قرار می‌گیرد، حقیقتاً به نگرش جوانان آن دربارهٔ نقش نسل خود در اجتماع و هدفی که به رفتار فردی و جمعی آنان جهت می‌دهد، بستگی دارد.»
- جوانی از اردن که از فعالیت‌های مرتبط با پیشرفت جوانان در سراسر خاورمیانه حمایت می‌کند.

به جوامع و مؤسساتی که با جوانان در ارتباط متقابل هستند نیز زیان می‌رساند.»
سازمان ملل می‌تواند از ویژگی‌های ارزشمند جوانان، مانند نوع دوستی، حس عمیق عدالت‌خواهی، نشاط و سرزندگی، انعطاف ذهنی و خلاقیت و تمایل آنان برای مشارکت در ساختن جهانی بهتر، بهرهٔ بسیار بیشتری ببرد. وجود این توانمندی‌ها به‌طور گسترده پذیرفته شده است. با این حال، نظام چندجانبهٔ جهانی معمولاً مشارکت جوانان را صرفاً به چند موضوع خاص محدود می‌کند و کمتر از توان آنان برای پرداختن به چالش‌های وسیع‌تر اجتماعی بهره می‌گیرد؛ فرصت‌های مشارکت آنان را اغلب به‌شکلی نمادین و نه حقیقی و معنادار سامان می‌دهد و گاه آنان را بدون ارائهٔ آموزش یا حمایت لازم در موقعیت‌هایی دشوار قرار می‌دهد.

«با اینکه جوانان اغلب به‌عنوان امید آینده مورد ستایش قرار می‌گیرند، گاهی نیز به‌عنوان تهدیدی بالقوه دیده می‌شوند— منشأ دردسر، اعتراض یا خشونت— یا معضلی بالقوه که باید حل شود. بدین ترتیب، تناقض‌هایی بنیادین در نگرش به جوانان و نقشی که قرار است در اجتماع ایفا کنند، پدیدار می‌شود. چنین تناقض‌هایی نه تنها به خود جوانان آسیب می‌زند، بلکه

خود، تجربه‌ها، توانمندی‌ها و نگرش‌هایی را کسب خواهند کرد که اساس تلاش‌های بعدی‌شان برای شکل دادن به اجتماع در سطوح ملی و بین‌المللی خواهد بود. بسیار حیاتی است که رهبران و سیاست‌گذاران در سازمان ملل متحد چشم‌اندازی روشن‌تر و دقیق‌تر از نقشی که جوانان می‌توانند در پیشبرد فرایندهای مؤثر تحول اجتماعی داشته باشند ترسیم کنند؛ چرا که مسئولیت ایجاد محیطی مناسب برای تحقق چنین تحولی از طریق سیاست‌های ملی و بین‌المللی بر عهده آنان است.

غلبه بر این الگوها مستلزم ایجاد تغییراتی بنیادین در نحوهٔ درک، نگرش، رفتار، آموزش و حمایت از جوانان است؛ تغییراتی که باید هم در مؤسسات بین‌دولتی و هم در سطح اجتماعات و جوامع محلی صورت گیرد. تحقق تغییری معنادار در سطح بین‌المللی نیز مستلزم فرایندهای موازی تحول در سطح محلی است.

اکثریت قریب به اتفاق بیش از یک میلیارد جوان جهان، نخستین و مستقیم‌ترین سهم خود در جهت خیر عمومی را با تلاش برای بهبود شرایط محیط محلی خود ادا خواهند کرد. بیشتر آنان در محله‌ها یا روستاهای



توانمندسازی در سطح وسیع: مشارکت جوانان و مسیری برای رشد ارگانیک

«نحوه نگرش یک جامعه به جوانانش، بازتاب وضعیت خود آن جامعه است. اگر جامعه‌ای چشم انداز و مسیر روشنی برای آینده خود نداشته باشد، جوانان را به چشم تهدید، عامل بزهکاری و منشأ مشکلاتی از این دست می‌بیند. اما اگر جامعه‌ای دارای تصویری روشن از آینده، جهت‌گیری مشخص و تمایل به پیشرفت باشد، جوانان را به عنوان منابعی ارزشمند و نیرویی می‌نگرد که آن جامعه را به سوی مقصدش هدایت می‌کنند.»

- جوانی از زامبیا که از اقدامات اجتماعی متمرکز بر جوانان در نقاط مختلف جنوب آفریقا حمایت می‌کند.

محور در ۱۸۰ کشور تحت پوشش قرار داده است. شبکه‌ای متشکل از ۳۳۰ مؤسسه آموزشی ملی و منطقه‌ای که به پرورش توانمندی‌های ضروری برای پیشرفت تمدن اختصاص دارد، جوانان و بزرگسالان را قادر ساخته تا در کنار یکدیگر، در هر مقطع زمانی، صدها هزار فعالیت جامعه‌سازی را پیش ببرند. این فعالیت‌ها پذیرای مشارکت حدود دو میلیون نفر از همسایگان، دوستان، اعضای خانواده و همکاران آنان است. بی‌تردید، این ارقام در مقایسه با جمعیت کلی شهرها و کشورها اندک است. با این حال، مکان‌هایی که توانمندی لازم را برای تداوم هزاران فعالیت جامعه‌سازی در یک محدوده جغرافیایی نسبتاً کوچک ایجاد کرده‌اند، گوشه‌ای از فرصت‌های تازه را نشان می‌دهند، فرصت‌هایی که زمانی پدیدار می‌شوند که بخش‌های فزاینده‌ای از یک جمعیت، در اقدامی هماهنگ برای پیشبرد خیر عمومی برخیزند. صدای جوانان و بزرگسالان جوانی که در این تلاش‌ها مشارکت دارند، در سراسر این سند انعکاس یافته است.

کوشش‌هایی که از نظر دامنه و تأثیر گسترش می‌یابند، به‌ویژه آن‌هایی که

برای غلبه بر چالش‌های فراوانی که نوع بشر با آنها مواجه است—مانند ایجاد روابط پایدار با جهان طبیعت یا از میان بردن درجات افراطی فقر و ثروت—جامعه بین‌المللی نه به ده‌ها یا صدها، بلکه به صدها هزار رهبر جوان توانمند نیاز دارد.

انجام این کار به‌طور سیستماتیک، نیازمند تغییری عمیق در پارادایم است؛ گذار از پارادایمی که عمدتاً بر فرد تمرکز دارد به پارادایمی که با گروه‌ها و کل جامعه کار می‌کند. چگونه تمامی جمعیت‌ها، نه فقط تعداد اندکی از افراد بسیار با انگیزه یا دارای ارتباطات خاص، می‌توانند کنشگرانی مؤثر در پیشرفت اجتماع خود باشند؟ و نقش منحصربه‌فرد جوانان در کنار سایر جمعیت‌ها چیست؟

این‌ها پرسش‌هایی هستند که جامعه جهانی بهائی از طریق مجموعه‌ای از پروژه‌های جامعه‌محور به بررسی آن‌ها پرداخته است؛ پروژه‌هایی که برخی از آن‌ها به تدریج از نظر دامنه و تأثیر گسترش یافته‌اند. برای نمونه، برنامه توان‌افزایی اخلاقی نوجوانان، حدود ۳۰۰ هزار نوجوان را در قالب ۳۵ هزار گروه محله‌محور و روستا



در مراحل اولیه، از نظر آماری محدودند. با این حال، اگر این کوشش‌ها در طول زمان تداوم یابند، می‌توانند تأثیری چشمگیر بر جمعیتی گسترده‌تر داشته باشند. در واقع، این تلاش‌ها می‌توانند شمار زیادی از مردم را به اقدام ترغیب کنند و از این طریق، الگوهای وسیع‌تری از فرهنگ و رفتار را تحت تأثیر قرار دهند. به گفتهٔ جوانی که با شبکه‌هایی از جوانان در نقاط مختلف شبه‌قارهٔ هند همکاری می‌کند:

«دور هم جمع شدن جوانان و اجرای پروژه‌های کوچک سازنده برای توسعهٔ جامعهٔ خود موجب نزدیک شدن مردمی با پیشینه‌های گوناگون به یکدیگر شده است. بدین ترتیب این گروه‌های کوچک جوانان به عامل انسجام جامعه تبدیل می‌شوند؛ کاتالیزوری که بزرگسالان را نیز به اقدام تشویق می‌کند.»

در گذر زمان پایدار می‌مانند، همواره به‌صورت پروژه‌هایی کوچک‌تر و با ویژگی‌هایی مشخص آغاز می‌شوند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به توانایی افراد در یادگیری و پرورش توانمندی‌های جدید، توضیح اهمیت تلاش‌هایشان و انگیزه‌بخشی به دیگران برای حمایت فعال، و همچنین پذیرش و هماهنگی با سطوح فزاینده‌ای از پیچیدگی اشاره کرد. این کوشش‌ها معمولاً ابتدا توسط گروه کوچکی از افراد متعهد تداوم پیدا می‌کنند و در مقیاسی محدود آغاز می‌شوند، اما به تدریج و هم‌زمان با رشد توانمندی جمعیت محلی، گسترش پیدا می‌کنند.

خدمتی از این دست لزوماً پرزرق و برق نیست. در این مسیر برخورد با موانع و عقب‌گردها معمول است و در اقداماتی که به شکل خانه‌به‌خانه و خانواده‌به‌خانواده انجام می‌شوند، حتی موفقیت‌ها نیز معمولاً، دست‌کم

«چراغ راه جوانان»: باورهایی که تعهد را پایدار می‌کنند

«تلاش برای ایجاد تغییر گاهی به آدم احساس تنهایی می‌دهد. در ارتباط بودن با گروهی از جوانان دیگر که باورهای مشابهی دارند و به تلاش‌های مشابهی مشغولند، قوت قلب فراوانی به جوانان می‌دهد. داشتن هم‌سالانی که بتوان در مواجهه با چالش‌ها با آن‌ها گفت‌وگو کرد و پرسش‌های مشترک را با آنان به مشورت گذاشت، به جوانان کمک کرده است تا بدانند تنها نیستند و بتوانند پیوندهایی ایجاد کنند که در مواقع نیاز پشتیبان و تکیه‌گاهشان باشد. گردهمایی‌های محله‌ما، شاهد اشک‌های بسیار و البته لبخندها و شادی‌های فراوانی بوده‌اند.»

- جوانی از استرالیا که با جوانان در سیستم مدارس و نیز پروژه‌های جامعه‌محور همکاری می‌کند.

در جهت رشد شخصی و تحول اجتماعی بکار بندند توانایی آن‌ها را برای بهبود جوامع‌شان به شدت تقویت می‌کند. همچنین شرکت در این قبیل آموزش‌ها به جوانان کمک کرده است تا در برابر نیروهایی که می‌کوشند هویت آنان را بازیچهٔ منافع دیگران کنند از خود محافظت نمایند؛ برای مثال، نیروهایی که آنان را صرفاً مصرف‌کنندگانی می‌بینند که باید راضی شوند، رأی‌دهندگانی که باید متقاعد شوند، یا بینندگان که باید سرگرم شوند.

چنین برنامه‌هایی همچنین به جوانان کمک کرده‌اند تا دربارهٔ اینکه چه نوع افرادی می‌توانند باشند و چه نوع جوامعی را می‌توانند بنا کنند، باورهای مستحکم و عمیق در خود ایجاد کنند. باورهایمانند اینکه جهانی سرشار از صلح و عدالت امکان‌پذیر است، تحوّل عمیق برای بهبود اجتماع را می‌توان آگاهانه پیش بُرد، و شرافت، ظرفیتی ذاتی روح انسان است. جوانان با مطالعهٔ مواد آموزشی، گفت‌وگو دربارهٔ مفاهیم کلیدی و خدمت به دیگران، چگونگی به‌کارگیری این آرمان‌ها را می‌آموزند. فهم آنان نیز از طریق فرایندهای مستمر مشورت عمق می‌یابد؛ فرایندهایی

آموزش، پایه و اساس پروژه‌هایی بوده که در بالا توصیف شدند. چنین آموزش‌هایی می‌توانند دربرگیرندهٔ مهارت‌های اساسی، توانمندی‌های فنی یا حوزه‌های مشخصی از دانش باشند. با این حال، شمار فراوانی از جوانان وقتی به اجتماعات خود می‌نگرند، افزون بر چالش‌های اقتصادی و دشواری‌های مادی، شاهد افول معیارهای بنیادین اخلاقی و کاهش توانمندی برای گفت‌وگوهای مبتنی بر حُسن نیت هستند. آنان می‌بینند که رهبران و مؤسسات گوناگون به دلیل فساد و ناکارآمدی اعتبار خود را از دست داده‌اند و مفاهیمی چون درست و نادرست، حقیقت و کذب، به‌طور فزاینده‌ای بی‌اهمیت تلقی شده و جای خود را به منفعت‌طلبی و قدرت‌جویی داده‌اند. جوانان به این باور رسیده‌اند که هیچ میزان از پیشرفت مادی یا فناوریانه نمی‌تواند جایگزین درستکاری و صداقت، سخاوت و همدلی، تعهد به حقیقت و احساس مسئولیت شود. چنین ویژگی‌های شخصیتی، عناصر سازندهٔ یک نظم اجتماعی پایدارند. به همین دلیل، برنامه‌هایی که به جوانان کمک می‌کند اصول اخلاقی را



برسند، تجربه دقیقاً خلاف این را نشان داده است. هنگامی که به جوانان کمک می‌شود تا مسائل مرتبط با هدف اخلاقی را به تدریج و به‌طور عمیق بررسی کنند، آنان توانایی بسیار بیشتری در تاب‌آوری و غلبه بر دشواری‌ها از خود نشان می‌دهند؛ در مواجهه با سختی‌ها از بدبینی و تلخ‌کامی دور می‌مانند و حتی در شرایط دشوار نیز امید و روحیه شاد خود را حفظ می‌کنند. چنین ویژگی‌هایی به جوانان امکان می‌دهد تا تلاش‌های خود را برای تغییر اجتماعی نه فقط برای یک یا دو سال، بلکه در سراسر زندگی تداوم بخشند. به گفته جوانی که با جوانان در نقاط مختلف جمهوری دموکراتیک کنگو همکاری می‌کند:

«برخی مفاهیم چراغ راه جوانان هستند؛ مثلاً این ایده که زندگی شما هدف مشخصی دارد و آن، پرورش خود و کمک به پیشرفت جامعه‌تان است. این اصول همچون نوری هستند که بر تمام ابعاد زندگی یک جوان می‌تابند و به او کمک می‌کنند تا مسیر خود را در زندگی بیابد و چالش‌ها و شرایط دشوار اجتماعی را درک کند.»

که در آن شرکت‌کنندگان می‌توانند دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند بدون آنکه در دام دشمنی افتند، و در عین پذیرش اختلاف‌نظر، برای یافتن نقاط اشتراک با یکدیگر همکاری کنند. اذعان به اهمیت توانمندسازی به این معنا نیست که جوانان دچار کمبود هستند یا به‌طور بنیادی به افراد بزرگ‌تر وابسته‌اند. برعکس، در بسیاری از موارد خود جوانان بوده‌اند که سهم عمده حمایت‌های اشاره‌شده در بالا را فراهم کرده‌اند. هزاران جوان به‌طور داوطلبانه نقش معلم، راهنما، تسهیل‌گر، مربی و آموزش‌دهنده را برای کودکانی کوچک‌تر از خود، همسالانشان و حتی بزرگسالانی که گاه ده‌ها سال از آنان بزرگ‌تر بوده‌اند، ایفا کرده‌اند. بنابراین رابطه‌ای که میان جوانان و آموزش پدید می‌آید، رابطه‌ای دوسویه است؛ جوانان از فرصت‌هایی که برای پرورش استعدادها و توانمندی‌های ذاتی‌شان فراهم می‌شود بهره‌مند می‌شوند، همان‌گونه که نظام‌های آموزشی نیز اغلب به‌شدت بر توانایی‌ها، انرژی و بینش جوانان متکی هستند. هرچند اهداف فوق ممکن است در نگاه اول بیش از حد فلسفی به نظر

ساماندهی امور نوع بشر: جوانان و نظام روابط چندجانبه جهانی

«درک ما از اهمیت دوران جوانی در حیات اجتماع چیست؟ جوانان چه نقش‌ها و مسئولیت‌های منحصربه‌فردی در ساختن جوامع پویا و منسجم بر عهده دارند؟ چه نوع فضاهای اجتماعی و نهادی به جوانان کمک می‌کند تا سهم خود را در پیشبرد تحوّل اجتماع ایفا کنند؟»

- جوانی از آلمان، در تأمل پیرامون همکاری با جوانان و خانواده‌های آنان در نقاط مختلف اروپا

الگوهای دارند، چه در میان خود و چه در تعامل با نسل‌های دیگر. به گفته جوانی که با شبکه‌ها و ائتلاف‌های مختلف جوانان در سازمان ملل متحد همکاری می‌کند: «ما نمی‌توانیم همیشه وقتی امور به خوبی پیش نمی‌رود، دیگران را مقصر بدانیم و انگشت اتهام را به سوی آنها بگیریم، یا صرفاً به دیگران توصیه کنیم که چه کاری انجام دهند. هریک از ما در حیطه تأثیرگذاری خود مسئولیت داریم نقشی شمول‌گرا، توان‌افزا و وحدت‌بخش ایفا کنیم.»

شمار زیادی از جوانان در عرصه بین‌المللی به خوبی واقف‌اند که بهبود مستمر شیوه عملکردشان هم یک ضرورت است و هم قدرت عظیمی در آن نهفته است. برای مثال، در مجموعه‌ای از گردهمایی‌ها که اخیراً در چارچوب نظام سازمان ملل متحد برای جوانان برگزار شد، خود فعالان اجتماعی گوش کردن و یاد گرفتن از یکدیگر و آموختن از تجربیات نسل‌های گذشته را به عنوان یک نیاز شناسایی کردند که به اندازه ترویج برنامه‌ها و پروژه‌های خودشان اهمیت دارد. آنان به لزوم پرهیز از افراط‌های فرهنگ سلبریتی اشاره کردند؛ فرهنگی که بیش از حد بر

کمتر عرصه‌ای را می‌توان یافت که به اندازه عرصه ساماندهی منسجم‌تر و مؤثرتر امور نوع بشر در سطح بین‌المللی، نیازمند مشارکت جوانان بتوانند باشد. جوانان معمولاً به سبب وابستگی کمتر به نظام‌های موجود که خود نقش‌چندانی در ایجاد آنها نداشته‌اند، از فضای فکری و خلاقیت بیشتری برخوردارند تا جایگزین‌هایی برای واقعیت‌های کنونی تصور کنند و برای تحقق آنها بکوشند. اما سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن چگونه می‌توانند به بهترین نحو از چنین توانایی‌هایی بهره گیرند؟

پاسخ به این پرسش اغلب این است که باید صدای جوانان را بلندتر کرد و دسترسی آنان به فضاهای مختلف را افزایش داد. بی‌شک، حضور شمار بیشتری از جوانان برای بسیاری از فضاهای تصمیم‌گیری مفید خواهد بود. با این حال، نیازهای این زمانه صرفاً با وارد کردن صدای جوانان به نظام‌های «قدیمی» برطرف نمی‌شود؛ بلکه به الگوهای کاملاً جدید از سازماندهی، ارتباطات و حکمروایی نیاز است.

جوانان توانایی عظیمی برای ایجاد چنین



بهبتر است چنین پیشنهادهایی نه به عنوان اهدافی مستقل، بلکه به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف جامع‌تر در نظر گرفته شوند؛ برای مثال، اطمینان از اینکه فرایندهای سیاست‌گذاری از تنوع غنی و دیدگاه‌های میان‌نسلی بهره‌مند شوند. به عنوان مثالی دیگر، لازم است دانش و بصیرت از افرادی که در حوزه‌ای خاص تجربه بیشتری دارند به افراد کم‌تجربه‌تر منتقل شود. چگونه می‌توان این امر را در چارچوب سازمان ملل متحد به‌شکلی مؤثرتر انجام داد؟ چنین حمایتی می‌تواند از الگوهای سنتی پیروی کند که در آن جوانان از همکاران بزرگ‌سال‌تر و باتجربه‌تر خود کمک می‌گیرند. با این حال، درک و تجربه لزوماً با سن مرتبط نیست. بنابراین، نظام‌های پشتیبانی باید آمادگی داشته باشند تا شرایطی را نیز پوشش دهند که در آن جوانان از تجربه عملی بیشتری برخوردارند و همکاران بزرگ‌سال‌تر آنان به کمک نیاز دارند. در چنین شرایطی، همکاران بزرگ‌سال‌تر نیز باید همانند جوانان آماده گوش دادن، آموختن و رشد در پرتو واقعیت‌های جدید باشند.

دیده شدن، افزایش تعداد دنبال‌کنندگان، شهرت شخصی و جلب توجه تمرکز دارد و معمولاً عده‌ای اندک را برجسته می‌کند و به‌طور ضمنی بسیاری دیگر را از توان‌زدایی می‌کند. همچنین آنان تأکید کردند که فضاهای مرتبط با جوانان باید پیوسته پذیرای نمایندگان و صداهای تازه باشد و نباید اجازه داد این فضاها به حلقه کوچکی از افراد «همیشگی» محدود شود. بدون نادیده گرفتن تأثیر چشمگیری که جوانان می‌توانند از طریق شبکه‌ها، ائتلاف‌ها و ابتکارات مخصوص خود داشته باشند، باید اذعان کرد که سازمان‌ها و فضاهای بین‌المللی اغلب با جوانان بیشتر به عنوان شرکت‌کننده برخورد می‌کنند تا نقش‌آفرین. بنابراین، انجام اصلاحات اساسی در این فضاها مستلزم همکاری و مشارکت افرادی است که معمولاً در جایگاه‌های بالاتر شغلی قرار دارند و از قدرت و نفوذ برخوردارند. بسیاری از اصلاحات متمرکز بر جوانان توسط کنشگران مختلف پیشنهاد شده است؛ از تأسیس یک کمیسیون دائمی جوانان گرفته تا وارد کردن بیشتر نمایندگان جوانان در فرایندهای سازمان ملل متحد و نیز تدوین سیاست‌ها و ایجاد نهادهای مشورتی ملی مرتبط با جوانان از سوی کشورهای عضو.

گذار به بلوغ؛ جوانان و مسیر پیش رو

نسل امروز جوانان، جهانی دستخوش تغییرات و آشفتگی‌های بی‌سابقه را ارث برده است. برای مثال، نوع بشر هرگز تا این اندازه قدرت تأثیرگذاری بر جهان طبیعی در کل کره زمین را نداشته است؛ با این حال، تغییرات اقلیمی، نابودی تنوع زیستی و آلودگی محیط زیست تهدیدهایی حیاتی به شمار می‌روند. فناوری‌های دیجیتال با سرعتی در حال تحول‌اند که حتی تا همین چند سال پیش به سختی قابل تصور بود؛ این فناوری‌ها امکانات گسترده‌ای فراهم می‌آورند، اما در عین حال، عدم قطعیت در جهان را افزایش می‌دهند؛ جهانی که هم‌اکنون نیز به دلیل نابرابری‌های عمیق، قطبی‌شدن روزافزون و چندپارگی اجتماعی دچار بی‌ثباتی است.

نظم جهانی‌ای که همزمان با تأسیس سازمان ملل متحد پدید آمد، با وجود محدودیت‌ها و بی‌عدالتی‌های آشکارش، پیشرفت‌های بزرگی را به همراه داشته است. اما این نظم اکنون دچار تزلزل شده و نیازمند بازسازی و بهبود است. آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های زندگی امروز نشان‌دهنده این است که نظام‌ها و ساختارهای به‌جامانده از گذشته، آمادگی لازم برای پاسخگویی به نیازهای آینده را ندارند. از این رو، نوع بشر با این چالش روبه‌روست که شیوه‌ها و عادت‌های ناکارآمد گذشته را کنار بگذارد و خود را برای عصری آماده سازد که چالش‌ها و فرصت‌هایش بیش از پیش نیازمند خرد و مسئولیت‌پذیری دوران بلوغ است. جوانان که خود نیز مرحله‌ای مشابه

را در مسیر رشد و بلوغ فردی پشت سر می‌گذارند، نقشی حیاتی در کمک به نوع بشر برای عبور از این گذرگاه پرتلاطم به سوی بلوغ بر عهده دارند. البته نباید جوانان را بیش از دیگر گروه‌ها آرمانی تصور کرد یا آنان را یک گروه یکدست به حساب آورد. با این حال، جوانان بارها نشان داده‌اند که آماده‌اند سهمی چشمگیر از مسئولیت رفاه اطرافیان و پیشرفت اجتماع خود را بر عهده گیرند. نیروهای بسیاری، چه مخرب و چه منحرک‌کننده، ممکن است در این مسیر مانع ایجاد کنند؛ اما این نیروها در نهایت تنها می‌توانند ظرفیت خارق‌العاده جوانان را موقتاً پنهان سازند، نه اینکه آن را نابود کنند. تغییرات لازم برای پیشرفت نوع بشر به مرحله بعدی رشد خود، از نظر مقیاس و دامنه در ابعاد یک تمدن جدید است. پاسخ‌گویی به مقتضیات این تغییرات، مستلزم تلاشی گسترده از سوی همه مردمان و جمعیت‌ها است که جوانان نیز در میان آنها جایگاهی ویژه دارند. از این رو، شکوفایی کامل توانمندی‌های هر نسل از جوانان مسئله‌ای ضروری و میرم برای همگان است. دوران جوانی که سرشار از امکانات است چگونه می‌تواند نقش کامل خود را در این کوشش عظیم برای ایجاد یک اجتماع جهانی همواره در حال پیشرفت ایفا کند؟ دیدگاه‌هایی که در بالا مطرح شد برگرفته از تجارب جوامع محلی در سراسر جهان است و به تدریج به روشن‌تر شدن پرسش‌هایی از این دست کمک می‌کند. بیایید به یادگیری در کنار یکدیگر ادامه دهیم.



«جوانان... بار دیگر به پیشگامی در نهضتی فراخوانده
شده‌اند که هدفش تقلیب عالم است.»
~ بیت العدل اعظم، هیئت حاکمه بین‌المللی آئین بهائی

Bahá'í International Community

Copyright © 2024 Bahá'í International Community

866 United Nations Plaza, Suite 120
New York, NY 10017, USA
www.bic.org